

نقش دیران ایرانی در تحوّل نظام اداری عباسیان

فهیمة فرمندپور^۱

محبوبه فرخنده‌زاده^۲

چکیده: سقوط امپراتوری ساسانی و ورود مسلمانان عرب به ایران، سبب اختلاط طبقات مختلف جامعه ایرانی با جامعه اسلامی گردید. یکی از این طبقات مهم، دیران‌اند که حامل رسوم و سنت‌های سرزمین خود خاصه در زمینه امور اداری و نهادهای سازمانی و حکومتی بودند. با نفوذ ایرانیان در دستگاه خلافت عباسی، خلفای آن سلسله، از آداب و سنن ایرانی الگو گرفته و آن را در اداره حکومت خود به کار بستند. از این رو موالی و ایرانیان نو مسلمان در رأس تشکیلات اداری و سازمان دولت عباسی قرار گرفتند. آنان که در دوره اموی فعالیت خود را در تشکیلات حکومتی آغاز کرده بودند، در دوران عباسی، جایگاه ویژه‌ای در اداره حکومت به دست آوردند. در حقیقت، حرکتی که موالی ایرانی با عنوان کتاب در دوره اموی آغاز کرده بودند، با روی کار آمدن خاندان‌های دیوانی در عهد عباسی ادامه یافت. شکل‌گیری منصب وزارت، تأکید بر همسانی دین و دولت و در نهایت انتقال وظایف و اختیارات وزراء به کتاب، از تحولات و دگرگونی‌های منصب کتابت در دوره عباسی بود. این پژوهش بر آن است تا بر اساس روش توصیفی - تحلیلی و به استناد منابع و مآخذ تاریخی فرایند حضور کاتبان را در تشکیلات اداری عباسیان بررسی کرده و نقش آنان را در تحوّل و تطوّر نظام اداری آن دولت بیان نماید.

واژه‌های کلیدی: دیران، کاتبان، وزراء، سازمان اداری، حکومت عباسیان

۱ استادیار دانشگاه تهران farahp@ut.ac.ir

۲ دانشجوی دکتری تاریخ و تمدن اسلامی دانشگاه تهران mahboobeh.f4@gmail.com

تاریخ دریافت: ۹۱/۱۱/۰۲ تاریخ تأیید: ۹۲/۰۴/۰۱

The Role of Iranian Dabir's in the administrative organization of the Abbasid

Fahimeh Farahmandpor¹

Mahboobeh Farkhondehzadeh²

Abstract: Sasani empire's fall and the arrival Arab Muslim in Iran cause the mixing of Iranians with Islamic society. Dabirs held important positions and influenced manners and traditions specially in administrative and statecraft ceremonies. With Iranian influence in the Abbasid caliphate, caliph's utilized Persian customs. Mawali and new Muslim Iranians were in the forefront of the Abbasid administrative organization. They started tasks in Umayyad period to get special situation in Abbasid caliphate. In fact Iranian Mawali who started their tasks as Kattib continue with the arrival Divani dynasties in Abbasid time. Emergence of Vezir, emphasising on religion and state unity, and finally transmission tasks of Vezirs to kottab, transformed their role in the Abbasid caliphate.

This research endeavors through a descriptive and analytical manner and the study of historical sources to study the kattib's task in administrative organization of the Abbasid, also to represent their duty in change and development of administrative organization.

Keywords: Dabir, Kottab, Vazir, administrative organization, Abbasid Period

1 Assistant Professor Tehran University farahp@ut.ac.ir

2 PhD student of History of Civilization of Islamic Nations Tehran University farkhondehzadeh@ut.ac.ir

پیشینه پژوهش

دیوان سالاری و تشکیلات اداری دولت اسلامی در دوره عباسیان (۱۳۲-۵۶۶ق) در مقایسه با امویان به لحاظ سیاسی-اداری از ساختار و تشکیلات منسجم‌تر و قدرتمندتری برخوردار بود. یکی از عوامل مهم این واقعیت، طبقه دبیران و وزیران ایرانی بودند که زمام امور را در دستگاه خلافت به دست گرفتند. پس از سقوط امپراتوری ساسانی، دبیران به خدمت فاتحان درآمدند و تشکیلات اداری ساسانی را تا زمان خلفای بغداد در تمام بلاد اسلامی معمول کردند^۱ و آداب و سنت‌های اداری خود را در تشکیلات دیوانی اسلام به کار گرفتند. الگوبرداری از سنت‌ها و شیوه‌های حکومت‌داری ایرانی در خلافت اموی به دلایل مختلف از جمله سیاست عرب‌گرایی این دودمان، حرکتی کند داشت. اما بعد از آنکه قوم مغلوب توانست خود را باز یافته و موقعیت‌اش را در حکومت جدید تثبیت نماید، رفته رفته شروع به فعالیت در زمینه‌های مختلف سیاسی، علمی و... کرد. با تشکیل خلافت عباسی، خلفای این دولت، رفتاری کاملاً متفاوت با موالی غیر عرب در پیش گرفتند، کنشی که از ابتدای نهضت و قبل از پیروزی بر امویان آغاز شده بود. آن‌ها با درک این مسئله که اداره قلمرو وسیع امپراتوریشان نیازمند تشکیلات اداری و سیاسی منسجم و قدرتمندی است، درصدد برآمدند از دستاوردها و تجارب ملل مغلوب استفاده نمایند، لذا با تسامح، اقوام و فرقه‌های مختلف را پذیرا شدند. از جمله این عناصر، مردم ایران زمین بودند که البته در پیروزی عباسیان در برابر امویان، نقشی اساسی ایفاء کرده بودند. طبقات مختلف این جامعه از فرصت پیش آمده به خوبی استفاده کرده و زمینه انتقال فرهنگ و تمدن ایرانی را به جامعه اسلامی فراهم کردند. دبیری از مناصب مهم اداری دوران ساسانی و صاحب این مقام از جایگاه و نقشی مهم در دربار برخوردار بود و حوزه فعالیت وسیعی داشت. با ظهور اسلام و نیاز دولت اسلامی به نظام اداری و دیوانی بار دیگر منصب دبیری احیا گردید، البته جایگاه و حوزه اختیارات دبیر رفته رفته در سازمان اداری اهمیت یافت. با تشکیل دولت عباسی طبقه دبیران از ارکان مهم دولت به شمار می‌رفتند. در این عصر با گسترش امور دیوانی، تأسیس، تکوین و توسعه دیوان‌های مختلف، مقام وزارت ایجاد شد. مقام وزارت در دستگاه عباسی از ابتدای پیدایش آن، به ویژه تا پایان عصر نخست به دبیران ایرانی اختصاص یافت. در واقع عباسیان در برابر

۱ تمدن ایرانی (۱۳۸۶ش)، ترجمه عیسی بهنام، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ص ۱۳۲.

حاجب اموی برای خود وزیر قرار دادند.^۱ با گسترش امور دیوانی هر دیوان با رئیس و یا کاتب، اداره می‌شد. به گفتهٔ ثعالبی «گاه صاحب دیوان با لقب دیگر یعنی کاتب خوانده می‌شد».^۲ در دولت عباسی به ویژه از عصر دوم منصب صاحب دیوانی دیگر منحصر به ایرانیان نبود و اعراب نیز در این زمینه فعالیت می‌کردند. هر دبیر متناسب با دیوانی که نظارت بر آن را بر عهده داشت، از دانش و علوم بی‌بهره نبود. منصب کتابت در ادوار مختلف خلافت اسلامی دارای همان ویژگی‌های شغل دبیری ساسانی بود، با این همه باید میان نقش و وظایف کاتب و دبیر ایرانی تفاوت قائل شد. در این نوشتار سعی شده است به نقش دبیران ایرانی و کاتبان - به عنوان رؤسای دواوین - در تطوّر و تحوّل تشکیلات دیوان‌سالاری خلافت عباسی پرداخته شود.

بنابراین مسئلهٔ اصلی این نوشتار، بررسی سیر دگرگونی نظام اداری عباسیان با محوریت طبقهٔ کاتبان است.^۳ در ادوار باستانی در ایران، دبیران اهمیت و جایگاه ویژه‌ای داشتند. جهشیاری دربارهٔ اهمیت طبقه دبیران در ایران قبل از اسلام می‌گوید: «پادشاهان، نویسندگان و دبیران را بر دیگران مقدم داشتند و آن‌ها را به خود نزدیک می‌کردند. ملوک، طبقه دبیر را صاحب‌نظر و اهل تدبیر و هنر، زبان پادشاه، خزانه‌دار و امانت‌دار و خدمت‌گزاران رعیت و مملکت می‌دانستند که نظام امور و کمال مملکت و رونق پادشاه به ایشان است»، تا آنجا که پادشاهان، کاتبان رسایل را «مترجم شاه» می‌نامیدند.^۴ در ایران ساسانی، دبیران در امور مهم مملکت نیز پادشاه را یاری می‌کردند. به گفتهٔ همو: «پادشاه، دبیران (نویسندگان) بزرگ را همراه لشکری می‌فرستاد و فرمانده لشکر باید به صلاح‌دید او رفتار می‌کرد».^۵ نظام ساسانی

۱ ولادیمیر اشپولر (۱۳۷۹ش)، *تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی*، ترجمهٔ مریم میراحمدی، ج ۲، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ص ۴۳.

۲ ابومنصور عبدالملک بن محمد ثعالبی نیشابوری (۲۰۰۹ق)، *تحفة الوزراء*، تحقیق ابتسام مرهون الصفار، عمان: جدار الكتاب العالمی، ص ۸۶.

۳ شایان توجه است مقاله‌ای با عنوان «نقش دبیران ایرانی در تأسیس و تکوین دیوان‌سالاری اسلامی در سدهٔ اول هجری»، پژوهشنامهٔ *تاریخ تمدن اسلامی*، س ۴۳، ش ۱، پاییز و زمستان ۱۳۸۱ش، به چاپ رسیده است که در نوع خود می‌تواند پیشینه‌ای بر این پژوهش به شمار آید. با این همه باید گفت تفاوت اصلی نوشتهٔ حاضر با مقاله یاد شده آن است که این مقاله نقش دبیران و کاتبان ایرانی را در تحول سازمان دولت در دوره عباسی تحلیل و بررسی نماید. در حالی که مقالهٔ یاد شده به نقش دبیران ایرانی در فتوحات اسلامی و تعریب دیوان‌ها در آغاز دوران اسلامی پرداخته شده است.

۴ محمد بن عبدوس جهشیاری (۱۳۵۷ق-۱۹۲۸م)، *الوزراء و الكتاب*، تحقیق: مصطفی السقا، قاهره: مطبعة البابی الحلبی و اولاده، صص ۳-۴.

۵ همان، ص ۳.

طبقه‌ای از دبیران و منشیان داشت که اداره‌کنندگان دستگاه حکومت بودند، «بزرگ دبیر» از مقامات درباری بود که از این افتخار برخوردار بود که در آستانه آتش مقدس، به نامشان قربانی شود.^۱ برای درک جایگاه دبیران در ساختار اداری ساسانی لازم است تا بدانیم که در این دوره دبیران و مستوفیان سهم به‌سزایی داشتند و بر طبق تشریفات، فرامین را آماده کرده و ارتباط میان بخش‌های مختلف دولت را تأمین می‌کردند.^۲ ارکان اصلی سازمان اداری در دوران حکومت ساسانی عبارت بود از:

الف. اداره دربار که به شخص شاه مربوط می‌شد

ب. سازمان دینی، ج. سازمان کشور، د. سازمان لشکری

در این میان، سازمان کشوری که تمامی کارکنان دیوانی و اداری و در رأس آنان، دبیران را در بر می‌گرفت، زیر نظر وزیر اداره می‌شد^۳ و به این ترتیب طبقه دبیران، سومین طبقه اجتماعی دولت ساسانی بودند. اختصاص طبقه‌ای از جامعه آن عصر به دبیران، خود گویای اهمیت، نفوذ و جایگاه برجسته این گروه در طبقه‌بندی اجتماعی آن دوره است. از مناصب مهم دوره ساسانی «دبیرد» یا «دبیربد» به معنای رئیس دبیران بود که از طبقات و ارکان ممتاز مملکت به شمار می‌رفت.^۴ مسعودی در بیان مناصب ایران باستان می‌گوید: «ایرانیان مناصب بسیار داشتند که پنج منصب از همه مهم‌تر و رابط میان شاه و رعیت بودند». او در ادامه از وزیر که عنوان وی «بزرگ‌فرمذار» بود، یعنی مأمور بزرگ‌تر و «دبیربد» یعنی حافظ کتاب نام می‌برد^۵ به گفته وی: «دبیران، سیاست‌مداران حقیقی به شمار می‌رفتند و مکاتبات دولت را در دست داشتند آنان فرمان‌های سلطنتی را ثبت و انشاء، هزینه‌ها را مرتب و محاسبات دولت را اداره می‌کردند». ^۶ مقام و منزلت این طبقه تا آنجا بود که دبیران از پرداخت مالیات معاف بودند.^۷ جایگاه، منزلت

۱ احسان یارشاطر، آنماری شیمبل و دیگران (۱۳۸۱ش)، حضور ایران در جهان اسلام، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران، ص ۳۰۶.

۲ آرتور کریستین سن (۱۳۸۷ش)، ایران در زمان ساسانیان، ترجمه رشید یاسمی، تهران: انتشارات زرین، صص ۱۳۷-۱۳۸.

۳ عباس‌مهرین‌ابی‌تا، کشورداری و جامعه ایران در زمان عصر ساسانی، تهران: آشنا، صص ۴۴-۴۵.

۴ احمدبن‌ابی‌یعقوب‌بن‌واضح یعقوبی (۱۳۷۹ق-۱۹۶۰م)، التاریخ، ج ۱، بیروت: دار صادر، ص ۱۷۷.

۵ ابوالحسن‌علی‌مسعودی (۱۳۵۷ق-۱۹۳۸م)، التنبیه و الاشراف، تصحیح: عبدالله اسماعیل عبدالصاوی، قاهره: مکتبه التاریخیه، ص ۹۰-۹۱.

۶ همان، ص ۱۵۸.

۷ حسن‌بن‌محمدقمی (۱۴۲۵ق-۱۳۸۵ش)، تاریخ قم، ترجمه تاج‌الدین حسن‌بن‌حسن‌بن‌عبدالملک قمی، تحقیق محمدرضا انصاری، قم: انتشارات کتابخانه‌مرعشی، ص ۴۵؛ دانیال‌دنت (۱۳۵۴ش)، مالیات سرانه و تأثیر آن در گرایش به اسلام، ترجمه محمدعلی موحد، تهران: انتشارات خوارزمی، ص ۴۶.

و اهمیت مقام دبیر از یک سو و نقش او در تشکیلات دیوانی از سوی دیگر موجب گردید تا آثار و کتاب‌هایی در باب فضیلت، شرایط دبیری و صفات دبیر نگاشته شود.^۱

چنانکه به گفته نخجوانی: «در قدیم ملوک عجم جماعتی را که آباء و اجداد ایشان اهل کتابت نبودندی، رخصت کتابت ندادندی. نیز چون ملوک عجم در دیوان آمدندی، کتاب دیوان از بهر ایشان مقام نکردندی که در آنچه بدان مشغول بودندی، یک لحظه اهمال نمودندی».^۲

در ساختار ابتدایی حکومت اسلامی نیز وظیفه نامه‌نگاری و نگارش عهدنامه بر عهده کاتبان وحی بود. در حقیقت در آغاز، مرز مشخصی میان کاتبان وحی و رسایل وجود نداشت.^۳ مسعودی ضمن ارائه فهرستی از نام کاتبان پیامبر(ص)، وظایف هر یک از آن‌ها را نیز بر شمرده است.^۴ طبری در نقل حوادث سال ۱۳ هجری می‌گوید: «زیدبن ثابت کاتب ابوبکر(۱۱-۱۳ق) بود و عثمان بن عفان اخبار را می‌نوشت و هر کس حضور داشت کار کتابت را انجام می‌داد».^۵ مقام و منزلت دبیران در اسلام با تأسیس دیوان گسترش یافت. با تشکیل دیوان در دوره عمر، در هر شهر کاتبی به کارهای دیوان رسیدگی می‌کرد. با فتح ممالک اسلامی و افزایش درآمد حاصل از آن، دیوان ایجاد شد و نویسندگی مورد لزوم و توجه قرار گرفت و در هر شهری دبیری، وظیفه نگهداری از آن را بر عهده داشت.^۶ در آغاز، کاتبان وظیفه رسیدگی به امور مالی و لشکری را بر عهده داشتند؛ بنابراین به گفته زیدان: تا پایان دوره خلفای راشدین تعداد کاتبان بسیار نبود؛^۷ اما با گسترش امور دیوانی و تشکیل دیوان‌های

۱ مقاله نخست چهارمقاله عروضی سمرقندی با عنوان در ماهیت دبیر و کیفیت دبیر کامل و آنچه تعلق بدین دارد به شرایط و کیفیت منصب کتابت و ویژگی‌های و توانایی‌های دبیر اختصاص دارد. به گفته وی ویژگی‌های دبیر چنین است: «دبیر باید کریم الاصل، شریف العرض، دقیق النظر، عمیق الفکر باشد و از ادب و ثمرات آن قسم اکبر و حظاً اوfer نصیب او رسیده باشد» (ص ۲۰). (نک: احمدبن عمر بن علی نظامی عروضی سمرقندی (۱۳۲۷)، چهارمقاله: تصحیح: محمد قزوینی، به کوشش: محمد معین، تهران: انتشارات کتاب فروشی زوار). همچنان که باب سی و نهم «هابوس‌نامه» نیز به آداب دبیری، شرایط و ویژگی‌های کاتب اختصاص دارد. برای آگاهی بیشتر رک: عنصرالمعالی کیکاووس بن اسکندر (۱۳۵۳ش)، قبابوس‌نامه، تصحیح غلامحسین یوسفی، تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی، ص ۲۵۲.

۲ محمد بن هندوشاه نخجوانی (۱۹۶۴)، دستور الکاتب فی تعیین المراتب، ج ۱، تصحیح عبدالکریم علی اوغلی زاده، مسکو: انتشارات دانش، صص ۶۵-۶۶.

۳ یعقوبی، همان، ج ۲، ص ۸۰؛ محمد بن جریر طبری [بی‌تا]، تاریخ الرسل و الملوک، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، ج ۳، بیروت: التراث العربی، ص ۱۷۳.

۴ مسعودی، همان، ص ۲۴۵.

۵ طبری، همان، ج ۳، ص ۴۲۶.

۶ جرجی زیدان (۱۳۸۶ش)، تاریخ تمدن اسلام، ترجمه: علی جواهر کلام، تهران: انتشارات امیرکبیر، ص ۱۹۵.

۷ همان، ص ۱۹۵.

مختلف به سبب نیاز حکومت، تعداد کاتبان بسیار شد، به این ترتیب دبیران و منصب دبیری محل توجه واقع شد. در این میان، کاتب دیوان رسایل از اهمیت زیادی برخوردار بود. لذا از همان آغاز، اغلب آن را به نزدیک‌ترین افراد خلیفه واگذار می‌کردند. چنان که به سبب اهمیت دیوان رسایل و نگارش نامه «کاتب امیر از خویشاوندان و بزرگان قبیله وی بود»^۱ خلفای شام و عراق نیز به همین شیوه کاتبی را انتخاب می‌کردند که از نظر امانت‌داری مورد اعتمادشان باشد.^۲ در اوایل حاکمیت اموی، به سبب ساده بودن تشکیلات اداری، امر کتابت نیز ساده بود. به تدریج پس از مقام خلافت، منصب کتابت و دبیری بر اساس وظایفی که داشت از مهم‌ترین مشاغل حکومتی به شمار می‌رفت. از اقدامات مهم دبیران به دوران اموی، می‌توان به امر ترجمه دیوان‌ها اشاره کرد.^۳ در اواخر این دوره دبیران بنام ایرانی چون عبدالحمید بن یحیی^۴ و عبدالله بن مقفع^۵ که از سرآمدان این طبقه بودند، ظهور کردند. عبدالحمید در دوران خلافت یزید بن عبدالملک (۱۰۱-۱۰۵ق) وارد سازمان اداری اموی شد و کتابت هشام و سپس مروان بن محمد را به عهده گرفت.^۶ نفوذ و تسلط وی بر دستگاه حکومت در اواخر عصر اموی به قدری بود که در برخی از منابع از او با عنوان وزیر یاد شده است.^۷ در واقع، پیدایش این طبقه در تشکیلات اسلامی، اقتباس و الگوبرداری از نظام و سازمان اداری

- ۱ محمد بن عبدالرحمان خلدون (۱۳۵۲ش)، مقدمه، ترجمه محمد پروین گنابادی، ج ۱، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ص ۴۷۰.
- ۲ همان.
- ۳ ابن ندیم (۱۳۴۶)، الفهرست، ترجمه م. رضا تجدد، تهران: ابن‌سینا، ۱۳۴۲ش، صص ۴۴۲-۴۴۳؛ ابوالحسن علی بن اثیر (۱۳۸۵ق-۱۹۶۵م)، *الکامل فی التاریخ*، بیروت: دارصادر، ج ۵، صص ۲۳-۲۴.
- ۴ ابوغالب عبدالحمید بن یحیی سمت دبیری مروان بن محمد آخرین خلیفه اموی را بر عهده داشت. سبک و شیوه نویسندگی و استفاده از تعبیرات بدیع که نشانی از نفوذ ادبیات فارسی بود، از سبک‌های وی به شمار می‌رفت که توسط نویسندگان بعد تقلید شد. به اعتقاد ابن خلکان او در فن نویسندگی و علوم و فنون امام و پیشوا بود (ج ۲، ص ۲۲۸). عمده شهرت عبدالحمید به سبب مجموعه رسایل وی است که بنا به گفته ابن ندیم «هزار ورق است» (ص ۱۹۳). مهارت و بزرگی وی در علوم معانی و بیان تا آنجاست که جاحظ نویسنده عرب زبان می‌نویسد: «قلم و زبان عبدالحمید با بلاغت آراسته و همراه بود» (ج ۱، جزء ۱، ص ۱۴۴).
- ۵ نامش روزبه و از مردم فارس بود. ابن مقفع به زبان عربی تسلط داشت و بسیاری از کتاب‌های ایران باستان از جمله «خدا/بنامه» و «بین‌نامه» را به عربی برگرداند. وی به سال ۱۳۹ق و یا به نقلی ۱۴۲ق به اتهام زندقه کشته شد (ابن ندیم، همان، صص ۱۹۵-۱۹۶). برای آگاهی بیشتر درباره ابن مقفع و آثار وی، رک: محمدی ملایری (۱۳۸۰ش)، «تاریخ و فرهنگ ایران در دوران انتقال از عصر ساسانی به عصر اسلامی»، تهران: انتشارات توس.
- ۶ ابوالعباس شمس‌الدین خلکان (ابی تا)، *وفیات الاعیان و انباء ابناء الزمان*، تحقیق احسان عباس، ج ۲، بیروت: دار صادر، ص ۲۲۸.
- ۷ جهشیاری، همان، ص ۸۳.

ایرانیان بود و بیشتر دبیران این سازمان از ایرانیان بودند.^۱ با گسترش اسلام در ایران، طبقات بالای ایرانی از جمله دبیران با خلافت همکاری کردند و کوشیدند تا از شرایط موجود به نفع خود استفاده نموده و وضعیت خود را حفظ کنند.^۲ در حوزه عراق و خراسان کاتبان از موالی بودند.^۳ به این ترتیب دبیران و کاتبانی که مدیریت امور اداری و تشکیلات سازمانی را در اواخر عهد اموی و اوایل عصر عباسی بر عهده داشتند، از نژاد ایرانی بودند. مهارت و کفایت دبیران ایرانی در امر کتابت سبب گردید که برخی از ادیبان عرب به این امر اعتراف کنند. از آن جمله جاحظ است که در این باره چنین گفته است: «سبکی شایسته و قابل ستایش مانند سبک دبیران ایرانی در علم معانی و بیان ندیده‌ام»، البته وی از اینکه رفتار دبیران ایرانی الگو و سرمشق مردم شده است با کراهت یاد می‌کند و می‌نویسد: «مردم با این کار جهل‌شان را ثابت می‌کنند».^۴ بنابراین منصب کتابت در دوره امویان هم پیشرفت داشت، اما ترقی و اهمیت واقعی این منصب در دوره عباسی بود. به گفته ابن‌خلدون «در دوره عباسیان خداوندان آن منصب [کاتب] در پایه‌ای بلند جای گرفتند و کاتبان اسناد دفاتر احکام را به طور مطلق صادر می‌کرد و در پایان آن نام خویش را می‌نوشت و آن را با خاتم سلطان مهر می‌کرد».^۵ این طبقه، گذشته از نفوذ در امور مالی که از آغاز اسلام آن را به دست داشتند، به تدریج توانستند به درون دربار خلافت راه یابند و بر قدر و منزلت خود بیفزایند. تا آنجا که منصب وزیر اعظمی که مهم‌ترین مقام پس از خلافت در دولت اسلامی بود، از درون این طبقه پدید آمد. شماری از مؤلفان پایگاه دبیران را در جامعه، ممتاز و آن را از موقعیت دیگر صاحب منصبان متمایز دانسته‌اند.

نقش دبیران ایرانی در نظام اداری خلافت عباسی

با سقوط امپراتوری ساسانی، روش سیاسی ایران باستان در تقسیمات کشوری از سوی خلفا در دولت اسلامی پذیرفته شد. بنا به عقیده برخی مورخان مزیت و برتری ساسانیان در جهان‌داری

۱ احمدحسن محمود و ابراهیم الشریف (۱۹۵۵م)، *العالم الاسلامی فی العصر الاول العباسی*، قاهره: دارالفکر العربی، ص ۱۱۷.

۲ ریچارد فرای (۱۳۵۸ش)، *عصر زرین فرهنگ ایران*، ترجمه مسعود رجب‌نیا، تهران: سروش، ص ۱۶۳.

۳ ابوبکر محمدبن یحیی صولی (۱۳۴۱ق)، *ادب الکتاب*، تصحیح و تعلیق محمد بهجة الأثری و محمود شکری الالوسی، بغداد: المكتبة العربية، ص ۹۲.

۴ ابوعثمان عمروبن بجر جاحظ (۲۰۰۹م)، *البيان و التبیین*، تحقیق موفق شهاب الدین، ج ۱، جزء ۱، بیروت: دارالکتب العلمیه، صص ۹۹-۱۰۰.

۵ ابن‌خلدون، همان، ج ۱، ص ۴۷۰.

و سیاست بود.^۱ تقلید از نظام و تشکیلات اداری ایرانیان از دوره اموی و به مقیاس وسیع‌تر در دوره عباسیان صورت گرفت. موالی ایرانی که از بازماندگان طبقه دبیران بودند، سنت‌های ساسانی را حفظ کردند و کوشیدند خلافت عباسی را بر اساس آن شکل دهند. دولت عباسی در حقیقت ادامه حکومت ساسانیان بود و برخی از معاصران آن دولت را «ساسانیان مسلمان» می‌خواندند.^۲ در دوران اسلامی دبیری با حفظ جایگاه برجسته خود خصلت طبقاتی دوره ساسانی را از دست داد، با این حال تا منصب وزارت پیش رفت. در این دوره منصب دبیری تغییر محسوس یافت و پایگاه اجتماعی دبیر (کاتب) فزونی گرفت، بدان صورت که با ایجاد وزارت، دفتر مراسلات خلیفه به دست وزیر افتاد و کاتبان نامه‌ها را می‌نگاشتند و وزیر امضا می‌کرد.^۳ گرچه دبیران توانستند در دولت عباسی پایگاهی متناسب به دست آورند و از ارکان مهم حکومت محسوب شوند، اما در مقابل اقتدار خلیفه نتوانستند، قدرت خود را حفظ نمایند. در حقیقت دبیران طبقه‌ای زیر دست را تشکیل دادند، گرچه به طور جمعی از خلافت جدا نبودند، ولی از نظر فردی هم چندان به شمار نمی‌آمدند.^۴ به اتفاق نظر تمام مورخین منصب وزارت در دوره عباسیان شکل گرفت.^۵

وزارت از مناصبی بود که در تشکیلات اداری اسلامی وجود نداشت و در پی گسترش دیوان‌سالاری و افزایش قدرت دبیران به وجود آمد. فرمانروایان مسلمان در دوره عباسی به تقلید از ایرانیان، برای اداره بهتر امور مملکت خویش ایجاد کردند.^۶ گرچه کلمه و واژه وزیر در میان عرب متداول بود، اما در معنای اصطلاحی خود استفاده نمی‌شد و در معنی یار و یاور کاربرد داشت. وزیران بزرگ از میان طبقه دبیران برخاستند^۷ و وزیر در رأس طبقه دبیر مسئول اداره دستگاه حکومت بود.^۸ در حقیقت منصب دبیری پلی برای رسیدن به وزارت به

۱ احمد امین (۱۳۱۵ش)، *پرتو اسلام*، ترجمه عباس خلیلی، تهران: مطبعه مجلس، ج ۲، ص ۲۲.

۲ سید تقی نصر (۱۳۵۸ش)، *ابدیت ایران از دیده خاورشناسان*، ج ۲، تهران: آبی جا، ص ۲۸.

۳ زیدان، همان، ص ۱۹۶.

۴ برای آگاهی بیشتر در این باره نک: نادر نادری (۱۳۸۴)، *عباسیان: ایدئولوژی مذهبی و اقتدار سیاسی*، ترجمه عبدالحسین آذرنگ، تهران: انتشارات سخن، ص ۵۴ به بعد.

۵ ابن خلکان، همان، ج ۲، ص ۱۹۵؛ محمد بن علی بن طحطاقی (۱۳۷۲ش-۱۴۱۴ق)، *الفخری فی آداب السلطانه و الدول الاسلامیه*، قم: منشورات الشریف الرضی، ص ۱۵۳؛ کریستین سن، صص ۱۳۸-۱۳۹؛ یارشاطر، همان، صص ۱۰۸-۱۰۹.

۶ محمود و الشریف، همان، ص ۱۶۶.

۷ با مراجعه به شرح حال وزیران عباسی این مطلب روشن می‌شود. رک: «التنبیه والاشراف»، مسعودی، ذیل خلافت عباسی؛ ابن طحطاقی، صص ۱۸۱، ۲۲۳-۲۲۷، ۲۳۲.

۸ یعقوبی، همان، ج ۲، ص ۴۰۰.

شمار می‌آید. بررسی متون تاریخی نشان می‌دهد که بیشتر وزرای عباسی از طبقهٔ دبیران برخاسته‌اند، اگر تعداد دبیرانی را که به مقام وزارت نرسیده باشند به آن افزوده شود، شمار این طبقه بسیار خواهد شد.^۱ مقام وزارت به ایرانیان واگذار شد، حضور بسیار وزیران، ندیمان، دبیران و کارشناسان مالی ایرانی در اوائل حکومت عباسی امری غیر قابل انکار است. اهمیت دبیری به حدی بود که در برخی از منابع، وزارت ابوسلمه خلیل نخستین وزیر عباسیان را به سبب آنکه در زمرهٔ دبیران نبوده است در معنای قرآنی آن دانسته‌اند.^۲ در فاصله وزارت فضل بن سهل - وزیر مأمون - تا درگذشت ابواحمد عباس بن حسن^۳ (م ۲۹۶ق) که وزارت المقتدر عباسی را به عهده داشت، وزیران و دبیران با کفایت و شایسته‌ای اداره امور را به دست گرفتند. در این میان کسانی منصب دبیری و وزارت را هم‌زمان انجام می‌دادند.^۴ خاندان آل فرات، وهب و جراح، دبیران بس با کفایت و کارآمدی بودند که به خدمت عباسیان درآمدند. آن‌ها توانستند انحطاط و سستی که دستگاه خلافت را تا مرحلهٔ سقوط پیش برده بود، به تأخیر انداخته و اقتدار خلافت را که با تسلط ترکان از میان رفته بود، تا حدودی احیا نمایند. خاندان وهب از طبقهٔ دبیران بودند که این منصب را به توارث به دست آورده بودند. نخستین فرد از این خاندان، فنال بود که دبیری یزید بن ابوسفیان را بر عهده داشت. حسن بن وهب از دیگر افراد این خاندان به روزگار خلافت الواثق عباسی (۲۲۷-۲۳۲ق) دبیر و متولی دیوان رسایل محمد بن عبدالملک زیات^۵ بود. ابویوب سلیمان بن وهب از این خاندان، از جمله افرادی بود که منصب دبیری و وزارت را با هم در دستگاه عباسی به دست آورد. وی از کاتبان مأمون عباسی بود و چندی وزارت المهتدی (۲۵۵-۲۵۶ق) را داشت و در دورهٔ المعتز (۲۵۲-۲۵۵ق) متولی دیوان رسایل بود.^۶

- ۱ برای آگاهی بیشتر در این باره نک: ابن طقطقی، ص ۱۵۳ به بعد.
- ۲ ولادیمیر بار تولد (۱۳۸۵ش)، خلیفه و سلطان، ترجمهٔ سیروس ایزدی، تهران: انتشارات امیرکبیر، ص ۸۹. در آیهٔ ۳۰، س ۲۰، وزیر به معنای جانشین آمده است.
- ۳ عباس بن حسن وزیر المکتفی بالله بود. بعد از مرگ خلیفه او توانست با کمک دیوانیان جعفر بن معتضد را با لقب المقتدر به خلافت منصوب کند (ابوعلی احمد بن علی مسکویه (۱۳۷۷ش- ۱۹۹۸م)، تجارب الامم، تحقیق ابوالقاسم امامی، تهران: انتشارات سروش، ج ۵، صص ۵۱-۵۴).
- ۴ ابن طقطقی، همان، صص ۲۳۸ و ۲۴۴ و ۲۵۱ و ۲۵۴.
- ۵ محمد بن عبدالملک بن زیات، وزارت المعتصم، الواثق و المتوکل را بر عهده داشت و در دوران خلافت المتوکل به دست خلیفه به قتل رسید (یعقوبی، همان، ج ۲، صص ۴۸۳-۴۸۴؛ مسعودی، همان، صص ۳۱۳-۳۱۴).
- ۶ ابن خلکان، همان، ج ۲، ص ۴۱۵.

منصور عباسی علاوه بر وزیر از طبقه دبیران هم برای اداره امور استفاده می‌کرد.^۱ این امر بر مهارت و کفایت دبیران در اداره و اجرای امور دلالت دارد. گفته مسعودی تأیید این مطلب است «مأمون عباسی کاتبانی را که در امر کتابت شایستگی و مهارت داشتند، برای اداره امور به خدمت می‌گرفت و بعد از مدتی مقام وزارت را به ایشان تفویض می‌کرد. احمد بن یوسف، احمد بن ابی‌خالد و ابوعباد ثابت بن یحیی از کاتبانی بودند که به وزارت رسیدند».^۲ به این ترتیب دبیر در ساختار سیاسی و اداری این دوره، اهمیت و جایگاه برجسته‌ای یافت. هر دبیر متناسب با دیوان مربوطه که در آن کار می‌کرد، باید اطلاعات و دانش لازم آن را کسب می‌کرد.^۳ مورخان کاتب را لسان پادشاه در میان طبقات عام و خاص می‌دانستند که عهده‌دار کارهای دیوانی بود که می‌بایست به میزان کافی بر دانش‌های روز مسلط باشد.^۴ ابن قتیبه دینوری می‌نویسد: «کاتبان، یاران مورد وثوق و گوش‌شنوا و زبان‌گویای پادشاه هستند».^۵ بدین‌سان کاتب به مثابه چشم پادشاه است که با ایشان می‌بیند و گوش‌ی است که با آن می‌شنود و زبانی است که با آن‌ها سخن می‌گوید. گاه از کاتب با لقب «زینت مملکت» یاد می‌کنند.^۶

بدون‌شک تربیت‌شدگان نظام دیوانی در عصر اول دولت عباسی در انتقال آیین‌های اداری به دوره بعد نقش اساسی ایفا کردند. در ناحیه فارس کاتبانی بودند که منصب دبیری را از طریق وراثت خانوادگی، بر عهده داشتند^۷ که گاه حکومت در اداره مملکت از آن‌ها کمک می‌گرفتند. از جمله آل‌حیب که از خاندان‌های معروف ایرانی به شمار می‌رفتند. اصل این خاندان از ولایت فارس بود و آنان در شیراز ساکن و امور دیوانی را به ارث عهده‌دار بودند. در ایام مأمون، مدرک بن حیب از این خانواده به فرمان خلیفه برای تصدی کارهای دیوانی به بغداد آمد. مدرک در ایام حکومت المعتصم عباسی در گذشت.^۸ خاندان‌های اداری در این دوره علاوه بر مهارت و تجربه در امور دیوانی، در زمینه علمی نیز فعالیت داشتند، از جمله با تلاش دبیران و خاندان‌های دیوانی بود که نثر عربی توسعه یافت.

۱ مسعودی، همان، ص ۲۹۶.

۲ همان، ۳۰۴.

۳ ابراهیم بن محمد بیهقی (۱۳۹۰ق-۱۹۷۰م)، *المحاسن و المساوی*، بیروت: دارصادر، ص ۴۱۸؛ نخجوانی، ص ۵۵ و ۶۴ و ۶۷.

۴ شهاب الدین احمد بن محمد بن ابی‌الربیع (۴۳۱ق-۲۰۱۰م)، *مسالك الممالک فی التدبیر الممالک*، ریاض: دارالعادریه، ص ۱۶۱.

۵ ابو محمد بن عبدالله بن قتیبه دینوری (۱۳۴۳ق-۱۹۲۵م)، *عیون الاخبار، الجزء الاول*، قاهره: مطبعة دارالکتب المصریه، ج ۱، ص ۲۵.

۶ نخجوانی، همان، صص ۶۶-۶۷.

۷ ابواسحاق اصطخری (بی‌تا)، *مسالك الممالک*، تهران: انتشارات کتابخانه صدر، صص ۱۴۶-۱۴۷.

۸ همان، ص ۱۴۷؛ ابوالقاسم محمد بن حوقل (۱۹۳۸م)، *صورة الارض*، بیروت: دارصادر، ص ۲۹۲.

علاوه بر آن، دبیران حاملان اصلی آداب و رسوم ایران پیش از اسلام و آیین‌ها و سنت‌های ساسانی به جامعه اسلامی بودند. این طبقه چون به خدمت دولت اسلامی درآمدند، تأثیر بسیار در فرهنگ آن دوره داشتند. آشنایی و آگاهی تدریجی آن‌ها با اسلام و فرهنگ عربی سبب گردید عناصر و سنت‌های کهن ایرانی به دولت اسلامی راه یافت. این امر از طریق ترجمه آثار مختلف به زبان عربی و نیز نوشتن رساله توسط طبقه دبیران صورت گرفت. آثار برجای مانده از عبدالحمید دبیر ایرانی دو رساله است. نخستین رساله گرچه در محیط عربی نوشته شده اما از حیث موضوع و مطالب مانند رسائلی است که در ادبیات پهلوی وجود داشته است، موضوع اصلی آن تدبیر ملک و آداب کشورداری است.^۱ رساله دیگر او خطاب به دبیران و در آداب و رسوم دبیری است. عبدالحمید، در این رساله به معاصران خود مقام و پایگاه رفیع این طبقه را یادآور می‌شود.^۲ این رساله به گفته قلقشنندی؛ منبع تمام آداب و رسومی بود که دبیران دستگاه خلافت رعایت آن را ضروری می‌دانستند.^۳ به این ترتیب علاوه بر آنکه منصب کتابت، تقلیدی از دولت ساسانی بود، دبیران دستگاه خلافت هم تلاش می‌کردند آیین ایرانیان را در دربار حکومت به کار گیرند. دبیران تلاش می‌کردند مفهوم سلطنت مطلقه و الهی را که در دوره ساسانی حاکم بود، در اداره خلافت به کار بندند و به منظور حفظ این سنت، از اتحاد دین و دولت در فرمانروایی خلفا حمایت می‌کردند. در دوره ساسانی بین دین و پادشاهی پیوستگی وجود داشت و دین و سلطنت درهم تافته و جدایی‌ناپذیر بود.^۴ از اردشیر بابکان - مؤسس دولت ساسانی - نقل شده است: «بدان دین و پادشاهی دو برادرند که هیچ یک از دیگری بی‌نیاز نیست و پایداری هر یک جز به دیگری نباشد. دین، پایه و اساس پادشاهی و پادشاهی هم نگهبان آن است. هر چیز که اساس نداشته باشد، نابود می‌شود و آنچه بی‌نگهبان باشد از میان خواهد رفت».^۵ عبدالله بن مقفع دبیر سده دوم هجری را

۱ محمد محمدی‌ملایری (۱۳۸۴ش)، فرهنگ ایرانی پیش از اسلام و آثار آن در تمدن اسلامی و ادبیات عربی، تهران: انتشارات توس، صص ۳۳۸-۳۳۹.

۲ ابوالعباس احمد بن علی قلقشنندی (۱۴۰۷ق-۱۹۸۷م)، صبح الاعشی فی صناعة الإنشاء، بیروت: دارالکتب العلمیه، محمدحسین شمس‌الدین و دیگران، صص ۸۵-۸۹.

۳ همان.

۴ پایه‌گذاری سیاست اتحاد دین و دولت در ایران قبل از اسلام به اردشیر بابکان مؤسس دولت ساسانی نسبت داده شده است. برای آگاهی بیشتر در این زمینه رجوع شود به مقاله احمد تفضلی (۱۳۷۰ش)، «کرتیر و سیاست اتحاد دین و دولت در دوره ساسانی»، به نقل از یک قطره باران، جشن‌نامه استاد زریاب خوئی، تهران.

۵ مسکویه، همان، ج ۱، ص ۵۸؛ ابوالحسن مسعودی (۴۲۲ق)، مروج الذهب و معادن الجواهر، ج ۱، قم: انتشارات الشریف الرضی، ص ۲۸۹.

نماینده این طبقه دانسته‌اند. او در نوشته‌های خود بر ضرورت دین برای رفاه جامعه و تداوم خلافت تأکید داشت.^۱ ابن مقفع با ترجمه کتب عهد اردشیر^۲ و نامه تنسربه گشنسپ بر گسترش این نظریه در جامعه اسلامی آن دوره تلاش می‌کرد. در این دو اثر، به مطالبی درباره همراهی دین و دولت در دوران ساسانی اشاره می‌شود.^۳ علاوه بر این، ابن مقفع با تألیف آثاری چون «ادب الکبیر» و «ادب الصغیر» و «رسالة الصحابه» موقعیت برتر خلیفه در جامعه اسلامی را تبیین و نظارت همه جانبه او را بر تمام شئون حکومت سفارش می‌کرد.^۴ به نظر وی خلیفه‌ای که از اقتدار دینی و دنیوی برخوردار است، واجد اختیارات وسیع‌تری است. این نظریه بر مراقبت خلیفه بر ثبات دولت، جنبه اداری حکومت و نیز انتصاب و اداره کارکنان تأکید داشت.^۵ به این ترتیب ترجمه کتاب‌های ایران قبل از اسلام توسط ابن مقفع زمینه را برای بحث و تحقیق درباره سازمان داخلی تشکیلات دولت ساسانی به وجود آورد. احمد امین نیز معتقد است «با مطالعه آثار و تألیفات ابن مقفع می‌توان یقین کرد... که او آداب، سیاست و تاریخ ایران باستان را با بهترین وجهی ترجمه و منتشر کرده است... و آنچه را که برای سیاست و اجتماع مفید می‌دانست از آثار ایران نقل و بر احوال مردم روزگارش تطبیق داده و اصلاح اوضاع را خاطر نشان می‌نمود».^۶

حضور دبیران ایرانی در ساختار اجتماعی جامعه عصر عباسی موجب شد که نظریه اتحاد دین و دولت رایج شود. به این ترتیب با طرح این نظریه، خلفا سعی بر آن داشتند تا آنجا که ممکن است مانع از آن شوند که اقتدار و دامنه اختیارشان از سوی دیگران تحدید شود. در حقیقت مطرح کردن حق الهی سلطنت در تقابل خلیفه و قهها تأثیر به‌سزایی داشت، زیرا مشکل زمانی خود را نشان داد که قهها خود را تنها مفسران بر حق شریعت می‌دانستند. این

۱ آن- اس لمبتون(۱۳۷۹ش)، دولت و حکومت در دوره میانه اسلام، ترجمه علی مرشدی زاده، تهران: انتشارات تبیان، صص ۶۶-۶۷.

۲ عهد/دشیر کتابی است که در آن وصایای سیاسی اردشیربایکان به جانشینان خود آمده است. این کتاب مشتمل بر مطالبی چون تأکید بر اتحاد دین و دولت، مقابله با فرق بدعت‌گذار، دقت در انتخاب ولیعهد و دیگر مسایل اخلاقی، اجتماعی و سیاسی است. متن اصلی کتاب که به زبان پهلوی نوشته شده از بین رفته، آنچه به دست رسیده منقول از ابوعلی مسکویه است که آن را به صورت کامل در تاریخ خود نقل می‌کند. برای آگاهی بیشتر ر.ک: مسکویه، تجارب الأمم، ج ۱، ص ۵۸.

۳ عهد/دشیر(۱۹۶۷م)، ترجمه عبدالله بن مقفع، تصحیح احسان عباس، بیروت: دارصادر، صص ۵۳-۵۴ و ۱۰۰؛ نامه تنسربه گشنسپ(۱۳۸۹)، ترجمه عبدالله بن مقفع، تحقیق مجتبی مینوی، تهران: دنیای کتاب، ص ۵۱.

۴ برای آگاهی بیشتر رجوع شود به: ابن مقفع(۱۹۶۰)، ادب الکبیر و الصغیر و رسالة الصحابه، بیروت: دارصادر. Watt. Montgomery, Islamic Political Thought, Edingburg, 1968, p:67-82

۶ احمد امین، همان، ج ۱، ص ۲۶۱.

نظریه در واقع به مفهوم محدودیت قدرت فقها به شمار می‌رفت، زیرا با گسترش اتحاد دین و دولت و طرح نظریه الهی خلافت، در واقع خلیفه به عنوان بالاترین مرجع و منبع شریعت معرفی می‌شد.^۱ در حقیقت خلفای عباسی با الگوپذیری از فرهنگ و سنن ایران و با حمایتی که از سوی دبیران می‌شدند، با فقها تقابل گسترده‌ای یافتند.^۲ لذا فقها با دیدگاه دبیران توافق نداشتند و برداشت ایشان از قدرت خلافت به مراتب محدودتر از نظر دبیران بود. به گفته فرای «همراهی دین و دولت که از پایه‌های اسلام به شمار می‌رود الگویی از دولت ساسانی بود و در کتاب اندرز^۳ که از پهلوی به عربی برگردانده شد، به این مطلب اشاره شده است.»^۴ خلفای عباسی نیز این نظریه را به نفع حکومت و قدرت خود دیدند، زیرا آن‌ها با درک زمینه‌ها و شرایطی که منجر به سقوط امویان گشت به ایجاد حکومتی وسیع و متمرکز دست زدند.

البته باید گفت مشخصه اصلی دولت اسلامی هم اتحاد دین و دولت بود. قوانین سیاسی و دولتی با مقررات دینی پیوسته بوده، از هم جدا نبودند. در آغاز، حق حاکمیت خلفا به صورت موروثی مطرح نبود و تا قبل از حکومت معاویه بن ابوسفیان (۴۰-۶۰ ق) بر مبنای اصل انتخاب و بیعت مبتنی بود. خلفا به عنوان رهبر سیاسی و مذهبی در اداره امور عمومی دولت اسلامی مرجع نهایی بودند، اما با تشکیل دودمان اموی خلافت اسلامی تبدیل به پادشاهی شد، چنانکه معاویه خود را پادشاه عرب نامید.^۵ عباسیان با تبلیغ این نظر که امویان خلافت را به پادشاهی تبدیل کردند، سعی در مجاب کردن حامیان و هواداران خود داشتند. بدین سبب در آغاز مدعی بودند که خلافت از بنی‌هاشم به آن‌ها منتقل شده است.^۶ آن‌ها خود را به عنوان پرچم‌داران بازگشت به حکومت اسلام معرفی کرده و بر ماهیت مذهبی حکومت خود تأکید داشتند. به این منظور خلفای عباسی برای رسیدن به هدف خود، دست به اقداماتی از جمله تأکید بر اتحاد دین و دولت زدند. همچنین عباسیان برخی جنبه‌های کشورداری ایرانیان را به ارث بردند و نظریه فره ایزدی را که پادشاهان ایران برای مشروعیت بخشیدن به حکومت خویش از آن استفاده می‌کردند، در خلافت خود به کار بردند. مجموع این عوامل منجر به تحولاتی شد؛

1 Goitein. S. D (1968), *Studies In Islamic History And Institutions*, Leiden: Brill, pp.157-158.

2 watt, *Ibid*, pp.66-67.

۳ عهد/اردشیر را اندرزنامه نیز می‌گویند.

۴ ریچادر فرای (۱۳۴۴)، *میراث باستانی ایران*، ترجمه مسعود رجب‌نیا، تهران: انتشارات نگاه ترجمه و نشر کتاب، ص ۳۸۸.

۵ یعقوبی، همان، ج ۲، ص ۲۳۲

۶ اخبار الدولة العباسية (۱۹۹۷م)، تحقیق عبدالعزیز الدوری و عبدالجبار مطلبی، بیروت: دار الطلیعه، ص ۱۸۶ به بعد.

شکل‌گیری نظام سیاسی گسترده و قدرتمند با تشکیلات اداری و دیوان‌سالاری وسیع و متمرکز که به خلفای عباسی این اجازه را داد که در آغاز با قدرت و استبداد حکومت کنند.

نقش و تأثیر کاتبان (رؤسای دواوین) در تشکیلات اداری خلافت عباسی

با آغاز سده سوم هجری ضعف و زوال تدریجی حکومت چهره خود را نشان داد، تا آنجا که مرگ الواثق (۲۲۷-۲۳۲ق) به اتفاق نظر مورخان پایان عصر نخست (عصر طلابی) و آغاز عصر دوم خلافت و یا دوران تسلط ترکان نامیده شده است. در این دوره عواملی چون ضعف خلافت، تسلط ترکان و از بین رفتن اقتدار حکومت مرکزی باعث هرج و مرج سیاسی و آشفتگی‌های داخلی در عرصه حکومت و ساختار دولت گردید. به سبب افول قدرت خلافت و نبود کنترل بر اوضاع اداری و سیاسی، شاهد اقتدار نسبی برخی از رجال و صاحب منصبان حکومتی هستیم. در این عصر تغییر و تحولات چندی در منصب کتابت به وجود آمد. دو واژه دبیر و صاحب دیوان آن‌چنان با هم آمیخته شد که دبیر و صاحب دیوان یک مقام گردید؛ به علاوه با گذشت زمان، طبقه دبیر دیگر در انحصار ایرانیان نبود و شامل عرب نیز شد، دیگر آنکه اقتدار، نفوذ و حوزه اختیار کاتبان گسترش یافت. لذا گاهی رؤسای دیوان‌ها و کاتبان از چنان قدرت و نفوذی در دستگاه اداری برخوردار بودند و وظایفی را به دست می‌گرفتند که در حوزه اختیارات خلیفه بود.^۱ در عهد المتوکل عباسی، عبیدالله بن یحیی بن خاقان، ریاست دیوان توفیق را بر عهده گرفت.^۲ به نوشته یعقوبی در پی دستور خلیفه، کاتبان وظیفه داشتند نامه‌ها را به نام عبیدالله بن یحیی تاریخ‌گذاری نمایند. هر چند از این کار استعفا داد، اما انتخاب و تعیین عاملان خراج، ضیاع، برید و قاضیان در تمام مملکت با وی بود.^۳ در اواسط سده سوم، قدرت و نفوذ فراوان رئیس دیوان جیش، گاه به وی فرصت می‌داد در رقابت افراد برای تصدی وزارت و انتخاب فرد مورد نظر خویش دخالت کند.^۴ به سال ۲۹۶ق با خلع المقتدر خلیفه، کاتب الجیش بود که برای خلیفه جدید بیعت

۱ یعقوبی، همان، ج ۲، ص ۴۸۹.

۲ همان، ص ۴۸۵.

۳ همان، ص ۴۸۹.

۴ ابوالحسن هلال صابی (۱۹۵۸م)، *الوزراء*، تحقیق عبدالستار احمد فرج، دار احیاء الکتب العلمیه، [بی‌جا]، صص ۱۰۹-۱۱۰. چنانکه محمد بن جراح متصدی دیوان جیش در صدد برآمد که المقتدر را عزل و ابن معتر را به خلافت منصوب کند (صابی، همان، ص ۱۰۹).

گرفت، حتی در مواردی فرماندهی نبرد با کاتب الجیش بود.^۱ در دوران تباهی مقام وزارت، ریاست دواوین با کاتبان دیوان و یا شخص دیگر بود.^۲ حتی در مواردی وزیر با تلاش دبیران به مقام وزارت می‌رسید، چنانکه ابوالحسن فرات (وزیر المقتدر بالله) توانست وزارت را برای دومین مرتبه به دست آورد.^۳ در دوران خلافت المقتدر با وجود دبیران باکفایت، نظام اداری به سبب تعدد زنان، خادمان و ترکان نابسامان و آشفته بود.^۴

در سازمان اداری و دیوانی عباسیان در عصر دوم، کاتبان غیرمسلمان به ویژه نصرانیان نیز فعالیت داشتند.^۵ مکی فعالیت غیر مسلمانان را در امور کتابت، دلیل تسامح سازمان اداری عباسیان می‌داند.^۶ منصور عباسی استخدام غیر مسلمانان را در امور مملکت منع کرده، نامه‌ای به عاملان حکومتی نوشته بود که مناصب دولتی به اهل ذمه واگذار نشود. المهدی و هارون عباسی به این شیوه رفتار کردند.^۷ مأمون، اسامی یهودیان اهل ذمه را از دیوان جیش و خراج درآورد و فرمانی مبنی بر اخراج آن‌ها صادر کرد.^۸ اما این فرمان‌ها در معرض تغییرات بود و گاهی لغو می‌شد. چنانکه گاه عده‌ای غیرمسلمان در دیوان بیت‌المال و دیگر دیوان‌ها مسئولیت‌هایی به عهده می‌گرفتند. به جز دوران المتوکل که در حق اهل ذمه سخت‌گیری‌های شدیدی می‌شد، خلفای بعدی در باره اهل ذمه تسامح نشان دادند.^۹ المتوکل دستور داد اهل ذمه در امور سلطانی، تشکیلات اداری و دیوانی فعالیت نداشته باشند. وی فرمانی صادر کرد و فعالیت ایشان را در اموری که مربوط به مسلمانان است، ممنوع کرد. فرمان خلیفه لازم‌الاجرا شمرده و به تمام ولایات فرستاده شد.^{۱۰} با گذشت مدت زمانی کوتاه از این دوران، شاهد فعالیت اهل ذمه در

۱ طبری، همان، ج ۱۰، صص ۱۴۰-۱۰۷.

۲ مسکویه، همان، ج ۵، ص ۹۷ و صص ۱۴۲-۱۴۴. چون سلیمان بن حسن به فرمان المقتدر به وزارت رسید، علی بن عیسی به عنوان ناظر دیوان‌ها و امور حکومت منصوب شد. حتی به فرمان خلیفه، سلیمان وزیر بدون اطلاع علی بن عیسی اجازه انجام کاری نداشت (ابن اثیر، همان، ج ۸، ص ۲۱۸).

۳ مسکویه، همان، ج ۵، صص ۹۸-۹۹.

۴ توفیق البوزنجی (۱۹۷۰ق)، *الوزراء نشأتها و تطورها فی الدولة العباسية*، بغداد: مطبعة الارشاد، صص ۱۶۷-۱۶۸.

۵ مسکویه، همان، ج ۵، صص ۳۳۵؛ صابی، صص ۱۰۹ و ۱۳۹ و ۱۴۴ و ۲۲۶ و ۲۶۵.

۶ محمد کاظم مکی (۱۳۸۳)، *تمدن اسلامی در عصر عباسیان*، ترجمه محمد سپهری، تهران: انتشارات سمت، ص ۲۰۶.

۷ ابوعبدالله محمد بن قیّم جوزیه (۱۹۹۴م)، *احکام اهل ذمه*، تحقیق صبحی الصالح، ج ۱، بیروت: دارالعلم لملايين، صص ۲۱۵-۲۱۷.

۸ همان، ج ۱، ص ۲۱۹.

۹ طبری، همان، ج ۹، ص ۱۷۱.

۱۰ همان، ج ۹، ص ۱۷۲ به بعد.

نظام اداری و تشکیلات مالی هستیم، چنانکه کاتب خلیفه المستعین، نصرانی بود.^۱ با به قدرت رسیدن المقتدر و در دوره وزارت عباس بن حسن شمار و اختیارات ذمیان در سازمان اداری و تشکیلات دیوانی بی شمار بود. المقتدر درصدد برآمد نفوذشان را کم کند، لذا دستوری مبنی بر عزل آن‌ها صادر گردید.^۲ در سال ۳۱۳ق ریاست چندین دیوان با نصرانیان بود. بنان نصرانی تصدی دیوان السواد و مالک بن ولید نصرانی متولی دیوان الدار، ابن قناتی و برادرش ریاست دیوان الخاصه و بیت المال را بر عهده داشتند. ایوب نصرانی به سال ۳۱۶ق متولی دیوان جهبه شد.^۳ به گفته مقدسی «بیشتر کاتبان از نصاری شام بودند».^۴

در عصر نخست رسم بر آن بود که هر کاتبی ریاست یک دیوان را عهده دار شود، اما در این دوره به کرات دیده می شد که ریاست چند دیوان بر عهده یک شخص بود.^۵ به نوشته یعقوبی «احمد بن محمد بن مدبر از سوی خلیفه المتوکل، تصدی دیوان های خراج، ضیاع، نفقات خاصه و عامه، صدقات، الجند و الشاکریه و دیوان الموالی و العلمان را به عهده گرفت و از این راه ثروت فراوانی به دست آورد».^۶ البته احتمال دارد که برای جبران کسری مواجب، یک گار گزار تصدی دیوان های مختلف را به عهده داشت.^۷ از تحولات مهم دیگر که در منصب کتابت انجام شد آن بود که با پیدایش مقام امیرالامرای به سال ۳۲۴ق و از بین رفتن مقام وزارت، در حقیقت کاتب، جانشین وزیر گردید. نخست کاتب امیرالامرا و سپس کاتب بویهی جای وزیر عباسی را گرفته و به این ترتیب مقام وزارت منسوخ گردید.^۸ با تضعیف قدرت مرکزی و افول اقتدار سیاسی خلیفه، وی هنوز حق داشت برای خود منشی و دیوانی داشته باشد. لذا خلیفه وزیری نداشت بلکه برای خود کاتب (منشی) خاصی داشت که وظیفه گردآوری مالیات و نظارت بر اقطاعات به او واگذار می شد و املاک و مخارج او را اداره

۱ طبری، همان، ج ۹، ص ۲۶۳.

۲ عریب قرطبی (۱۸۹۷م)، صله تاریخ الطبری، لیدن: مطبعه بریل، ص ۳۰.

۳ همان، صص ۱۲۵-۱۳۵.

۴ محمد بن احمد مقدسی (۱۹۰۹م)، احسن التقاسیم، لیدن: مطبعه بریل، ص ۱۸۳.

۵ صابی، همان، صص ۸۹-۱۴۰.

۶ یعقوبی، همان، ج ۲، ص ۴۸۸.

۷ آدام منز (۱۳۸۳ش)، تمدن اسلامی در سده چهارم، ترجمه علیرضا ذکاوتی فراگوزلو، تهران: انتشارات امیرکبیر، ص ۱۰۰.

۸ ابوبکر صولی (۲۰۰۷م)، اخبار الرازی و المتقی بالله، قاهره: مكتبة الثقافة الدینیة، تحقیق هیورث دن، صص ۱۹۲ و ۲۰۵؛ مسکویه، ج ۵، صص ۴۵۴-۴۵۵، ج ۶، صص ۱۶ و ۱۷ و ۲۲؛ ابن اثیر، همان، ج ۸، صص ۲۲۶ و ۳۴۵ و ۳۶۹-۳۶۸.

می‌کرد.^۱ قبل از پیدایش منصب امیرالامرای، انتخاب وزیر - هرچند در مواردی این گزینش و برکناری، جنبهٔ صوری داشت - در حوزهٔ اختیارات خلیفه بود، اما با ورود امیران به صحنهٔ سیاسی این اختیار به آنان داده و از اقتدار و اختیارات وزیر کاسته شد.^۲ به تدریج امیرالامرا اختیارات حکومتی را از وزیر گرفته و به منشیان و کاتبان خود سپرد تا آنجا که وزیر جز پوشیدن جامهٔ سیاه^۳ در مناسبات تشریفاتی وظیفهٔ دیگری نداشت.^۴ بنابراین مقام و پایگاه وزیر در تشکیلات اداری صوری و اسمی بیش نبود.^۵ به نظر می‌رسد در این عصر موقعیت کتاب و نقش آن‌ها در سیاست بسیار بود. گرچه به اعتقاد ابن‌اثیر با بسته شدن دیوان‌ها وظیفهٔ کاتب در سازمان اداری و دیوانی کم اهمیت گردید،^۶ اما از سوی دیگر با بی‌اعتبار شدن مقام وزارت، خلیفه و امیرالامرا به کاتب اکتفا کردند و آن‌ها عهده‌دار مقام اجرایی دستگاه حکومت شدند.^۷ در سال ۳۳۴ق احمد معزالدوله بویه بر بغداد مسلط شد. به این ترتیب، تاریخی جدید برای دستگاه خلافت رقم خورد. احمد بویه و کاتبان‌اش بر امور خلافت و دربار تسلط یافتند و برای خلافت و تشکیلات اداری آن، اعتبار و اقتداری نماند. اوضاع و موقعیت وزارت با تسلط بوهیان بر بغداد از این بدتر شد؛ به تدریج جایگاه و منصب وزیر در نظام دیوانی خلافت از میان رفت. آل‌بویه، عنوان وزارت را در مورد وزیران خود استفاده کردند. به جای وزیر، کاتب (منشی) کارهای خلیفه را سرورسامان می‌داد.^۸ البته گاه کاتب خلیفه را «رئیس‌الرؤسا» می‌خواندند.^۹ چنانکه صائبی در کتاب خود وزرای این دوره را در دو گروه قرار داده است: وزیران عباسی و کاتبان دیلمی.^{۱۰} مسکویه اوضاع نابسامان اداری را ذیل حوادث سال ۳۳۴ق این‌گونه می‌نویسد: «روستاها ویران، دیوان‌ها بسته، کتابت و کارگزاری

۱ ابن‌اثیر، همان، ج ۸، ص ۴۴۸ و ۴۵۰ و ۴۵۲.

۲ همان، ص ۳۰۰.

۳ نشان و شعار خلافت عباسیان سیاه بود. هنگامی که مأمون، علی‌بن‌موسی را به ولیعهدی خویش منصوب کرد، فرمان داد تا مردم لباس سیاه را کنار گذارند و جامه سبز بر تن کنند. ابن‌ططقی، همان، ص ۲۱۷.

۴ مسکویه (۱۹۱۴م)، تجارب الامم، تصحیح آمدروز، قاهره، ج ۱، ص ۳۵۲.

۵ همان، ج ۶، ص ۵۳.

۶ ابن‌اثیر، همان، ج ۸، ص ۳۲۴.

۷ مسکویه، همان، ج ۶، ص ۳۱-۳۲؛ مسعودی، التنبیه و الاشراف، ص ۳۴۵؛ ابن‌اثیر، همان، ج ۸، ص ۳۳۹ و ۴۵۰ و ۴۵۱.

۸ مسکویه، همان، ج ۶، ص ۴۵-۴۶.

۹ امیرعلی، همان، ص ۴۰۴.

۱۰ صابی، همان، ص ۵.

ناپود شده است. دبیران دانا مردند و گروهی که روی کار آمدند به امور آشنایی ندارند، چون کاری به ایشان واگذار شود، با آن بیگانه‌اند.^۱ این جریان تداوم داشت تا به سال ۳۴۵ق برای نخستین بار در دوران بویه‌یان، ابومحمد مهلبی عنوان وزارت یافت. به دستور معزالدوله به وی خلعت پوشانیده و بر اقطاعش افزودند.^۲

نتیجه‌گیری

ساختار حکومت در خلافت عباسی از جنس ساخت دولت امویان بود که معاویه بن ابوسفیان آن را بنیان گذارده بود. تنها تفاوت عمده آن دو این بود که ساختار امپراتوری عباسی برخلاف دودمان اموی که بر محوریت عرب قرار داشت، از نظامی پیچیده برخوردار بود و تمام مسلمانان از عرب و غیر عرب در این دولت نفوذ و دخالت داشتند. شاید بتوان این وجه را از جمله رموز ماندگاری و تداوم دولت عباسی برای چندین سده به شمار آورد. روحیه عرب‌گرایی و تعصب نژادی امویان عاملی بود که توسعه و پیشرفت دیوان‌سالاری و تشکیلات اداری را در این دوره به تأخیر انداخت. رفتار سوء خلفا و امیران اموی مانع همکاری دو گروه غالب و مغلوب گردید و نتایج سیاسی و اجتماعی مهمی برای حکومت به دنبال آورد. ظهور دولت عباسی تحولی بزرگ و شگرف در این زمینه بود. از همان آغاز تا پایان حکومت، ملل مختلف از هر نژاد و طبقه اجتماعی در اداره امور امپراتوری اسلامی فرصت نفوذ و دخالت یافتند. با سهم شدن طبقه دبیران ایرانی در خلافت عباسی، در نظام دیوان‌سالاری این دولت تغییرات و تحولاتی روی داد. ایجاد دیوان‌سالاری گسترده و تأکید بر نقش دینی حکومت، تأسیس مقام وزارت، پیامد حضور و تأثیر این طبقه در ساختار حکومت عباسی بود. پیدایش منصب وزارت گرچه از سویی نتیجه فرایند ذاتی گسترش امور دیوان‌سالاری به شمار می‌رفت، اما نقش دبیران ایرانی در ایجاد و شکل‌گیری منصب وزارت را نمی‌توان نادیده گرفت. در میان وزیران حکومت عباسی و سایر حکومت‌های ایران بعد از اسلام کمتر افراد لشکری و سایر مناصب دیده می‌شود. بیشتر وزرا از میان دبیران بر می‌خاستند، چنانکه گویی دبیری پایه استوار وزیری به شمار می‌رفت. در حقیقت، تاریخ خلافت عباسی را می‌توان از تاریخ وزرای این دوره مورد پژوهش و سنجش قرار داد، وزیرانی

۱ مسکویه، همان، ج ۶، ص ۱۳۰.

۲ همان، ج ۶، ص ۱۹۹.

که در ضمن اشتغال به اداره دستگاه خلافت از احیا و به کارگیری رسوم و آیین باستانی خود غافل نبودند. از سوی دیگر با توسعه امور دیوانی برای نظارت بر هر دیوان، رئیسی انتخاب می شد که عنوان کاتب داشت. به تدریج با آشفته‌گی‌های سیاسی دستگاه خلافت که از سده سوم هجری آغاز شده بود، بر اقتدار و حوزه اختیارات کاتبان نیز افزوده شد. به سال ۳۲۴ق در پی ایجاد دگرگونی‌های سیاسی و افول قدرت خلافت، در نظام سیاسی و تشکیلات اداری منصب امیرالامرای شکل گرفت. با پیدایش این منصب و در نهایت با سیطره بویه‌یان بر دستگاه خلافت، رفته رفته نخست کاتبان امیران نظامی و سپس کاتبان امیران بویه‌یی جایگزین وزیر شدند و نقش و اختیارات وی را بر عهده گرفتند.

منابع و مأخذ

منابع فارسی

- ابن خلدون، محمد بن عبدالرحمان (۱۳۵۲ش)، مقدمه، ج ۱، ترجمه محمد پروین گنابادی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- ابن ندیم، محمد بن اسحاق (۱۳۴۶ش)، الفهرست، ترجمه مرصفا تجدد، تهران: ابن سینا، ۱۳۴۲ش.
- اشپولر، ولادیمیر. د. (۱۳۷۹ش)، تاریخ ایران در سده‌های نخستین اسلامی، ج ۲، ترجمه مریم میراحمدی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- امیرعلی (۱۳۶۶ش)، تاریخ عرب و اسلام، ترجمه فخرداعی گیلانی، تهران: انتشارات گنجینه.
- امین، احمد (۱۳۱۵ش)، پرتو اسلام، ترجمه عباس خلیلی، تهران: مطبعه مجلس.
- بارتولد، ولادیمیر (۱۳۸۵ش)، خلیفه و سلطان و مختصری درباره برمکیان، ترجمه سیروس ایزدی، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- تمدن ایرانی (۱۳۸۶ش)، خاورشناسان فرانسوی، ترجمه عیسی بهنام، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- دنت، دانیل (۱۳۵۴ش)، مالیات سرانه و تأثیر آن در گرایش به اسلام، ترجمه محمد علی موحد، تهران: انتشارات خوارزمی.
- زیدان، جرجی (۱۳۸۶ش)، تاریخ تمدن اسلام، ترجمه علی جواهر کلام، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- فرای، ریچارد (۱۳۵۸ش)، عصر زرین فرهنگ ایران، ترجمه مسعود رجب‌نیا، تهران: سروش.
- (۱۳۴۴ش)، میراث باستانی ایران، ترجمه مسعود رجب‌نیا، تهران: انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- قمی، حسن بن محمد (۱۴۲۷ق-۱۳۸۵ش)، تاریخ قم، ترجمه تاج‌الدین حسن بن عبدالملک قمی، تحقیق:

- محمدرضا انصاری قمی، قم: انتشارات کتابخانهٔ مرعشی نجفی.
- کریستین سن، آرتور (۱۳۸۷ش)، *ایران در زمان ساسانیان*، ترجمهٔ رشید یاسمی، تهران: انتشارات زرین.
 - لمبتون، آن-اس (۱۳۷۹ش)، *دولت و حکومت در دورهٔ میانهٔ اسلام*، ترجمهٔ علی مرشدی‌زاد، تهران: مؤسسه انتشارات تیبان.
 - متز، آدام (۱۳۸۸ش)، *تمدن اسلامی در سدهٔ چهارم (رנסانس اسلامی)*، ترجمهٔ علیرضا ذکاوتی قراگوزلو، تهران: انتشارات امیرکبیر.
 - محمدی ملایری، محمد (۱۳۸۴ش)، *فرهنگ ایرانی پیش از اسلام و آثار آن در تمدن اسلامی و ادبیات عربی*، تهران: انتشارات توس.
 - مکی، محمد کاظم (۱۳۸۳ش)، *تمدن اسلامی در عصر عباسیان*، ترجمهٔ محمد سپهری، تهران: انتشارات سمت.
 - مهرین، عباس [بی‌تا]، *کشور داری و جامعه ایران در زمان عصر ساسانی*، تهران: آشنا.
 - نادری، نادر (۱۳۸۴ش)، *برآمدن عباسیان: ایدئولوژی مذهبی و اقتدار سیاسی*، ترجمهٔ عبدالحسین آذرننگ و نگار نادری، تهران: انتشارات
 - نصر، سید تقی (۱۳۵۸ش)، *ابدیت ایران از دیبدهٔ خاورشناسان*، غلبه بر عرب، مغول و تاتار، ج ۲، تهران: [بی‌جا].
 - یارشاطر، احسان، شیمیل آنماری و دیگران (۱۳۸۱ش)، *حضور ایران در جهان اسلام*، ترجمهٔ فریدون بدره‌ای، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران سخن.

منابع عربی

- ابن ابی‌الریبع، شهاب‌الدین احمد بن محمد (۱۴۳۱ق - ۲۰۱۰م)، *مسالك الممالک فی التبدیر الممالک*، ریاض: دار العاذریه.
- ابن اثیر، ابوالحسن علی (۱۳۸۵ق - ۱۹۶۵م)، *الکامل فی التاریخ*، بیروت: دار صادر.
- ابن حوقل، ابوالقاسم محمد (۱۹۳۸ق)، *صورة الارض*، لیدن، بیروت: دار صادر.
- ابن خلکان، شمس‌الدین ابوالعباس احمد بن محمد [بی‌تا]، *وفیات الاعیان و انباء الزمان*، تحقیق: احسان-عباس، بیروت: دار صادر.
- ابن طقطقی، محمد بن علی طباطبا (۱۴۱۴ق - ۱۳۷۲ش)، *الفخری فی آداب السلطانیة و الدول الاسلامیة*، قم: منشورات الشریف الرضی.
- ابن قتیبه دینوری، ابو محمد عبدالله بن مسلم (۱۳۴۳ق - ۱۹۲۵م)، *عیون الاخبار، الجزء الاول*، قاهره: مطبعة دار الکتب المصریة.
- ابن قیم جوزیه، ابو عبدالله شمس‌الدین محمد بن ابوبکر (۱۹۹۴م)، *احکام اهل الذمه*، تحقیق صبحی الصالح، بیروت: دار العلم للملایین.
- ابن مقفع، عبدالله (۱۹۶۰م)، *ادب الکبیر و ادب الصغیر و رساله الصحابة*، بیروت: دار صادر.
- *اخبار الدولة العباسیة* (۱۹۹۷م)، تحقیق عبدالعزیز الدوری و عبدالجبار مطلبی، بیروت: دار الطلیعه.

- اصطخرى، ابواسحاق ابراهيم [بى تا]، مسالك الممالك، تهران: انتشارات كتابخانه صدر.
- بيهقى، ابراهيم بن محمد (١٣٩٠ق-١٩٧٠م)، المحاسن و المساوى، بيروت: دارصادر.
- ثعالى نيشابورى، ابومنصور عبدالملك بن محمد (٢٠٠٩م)، تحفة الوزراء، تحقيق ابتمام مرهون الصفار، عمان: جدار الكتاب العالمى.
- جاحظ، ابوعثمان عمرو بن بحر (٢٠٠٩م)، البيان و التنبيه، شرح موقف شهاب الدين، بيروت: دارالكتب العلميه.
- جهشيارى، ابو عبدالله محمد بن عبدوس (١٣٥٧ق-١٩٣٨م)، الوزراء و الكتاب، تحقيق مصطفى السقا، ابراهيم الايبارى و عبدالحفيظ شلى، قاهره: مطبعة البابى الحلبي و اولاده.
- صائى، ابو الحسن هلال بن محسن (١٩٥٨ق)، الوزراء: أوتحفة الأمراء فى تاريخ الوزراء، تحقيق: عبدالستار احمد فراج، داراحياء الكتب العربيه، [بى جا].
- صولى، ابوبكر محمد بن يحيى (٢٠٠٧م)، اخبار الراضى و المتقى بالله او تاريخ الدولة العباسية فى كتاب الأوراق، تحقيق و تنقيح ج. هيورث. دن، قاهره: مكتبة الثقافة الدينيه.
- ---- (١٣٤١ق)، ادب الكتاب، تصحيح و تنقيح محمد بهجة الأثرى و محمود شكرى الأكوسى، بغداد: المكتبة العربية.
- طبرى، محمد بن جرير [بى تا]، تاريخ الرسل والملوك، تحقيق محمد ابو الفضل ابراهيم، بيروت: التراث العربى.
- عرب بن سعد قرطبي (١٨٩٧م)، صلة تاريخ الطبرى، ليدن: مطبعة بريل.
- عهد ارسير (١٣٨٧ق-١٩٦٧م)، ترجمة عبدالله بن مقفع، تصحيح احسان عباس، بيروت: دارصادر.
- قلقشندى، ابو العباس احمد بن على (١٤٠٧ق-١٩٨٧م)، صبح الأعشى فى صناعة الانشاء، تحقيق محمد حسين شمس الدين و ديگران، بيروت: دارالكتب العلميه.
- محمود، حسن احمد و ابراهيم الشريف، احمد (١٩٩٥م)، العالم الاسلامى فى العصر العباسى، قاهره: دارالفكر العربى.
- مسعودى، ابو الحسن على (١٤٢٢ق)، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقيق شارل پلاد، انتشارات الشريف الرضى، [بى جا]: [بى نا].
- ---- (١٣٥٧ق-١٩٢٨م)، التنبيه و الاشراف، تحقيق عبدالله اسماعيل عبدالصاوى، قاهره: مكتبة التاريخية.
- مسكويه، ابو على احمد بن على رازى (١٣٧٧ش-١٩٩٨م)، تجارب الأمم، تحقيق ابو القاسم امامى، تهران: انتشارات سروش.
- ---- (١٣٣٢ق-١٩١٤م)، تجارب الأمم ج٢، تصحيح: آمدروز، قاهره.
- مقدسى بشارى، محمد بن احمد (١٩٠٩م)، احسن التقاسيم فى المعرفة الاقاليم، ليدن: مطبعة بريل.
- نامه تنسر به گشنسب (١٣٨٩ش)، ترجمة عبدالله بن مقفع، تحقيق مجتبی مینوی، تهران: دنياى كتاب.
- نخجوانى، محمد بن هندوشاه بن سنجر صاحبى (١٩٦٤م)، دستور الكاتب فى تعيين المراتب، تصحيح عبدالكريم على اوغلى على زاده، ج ١، جز ١، مسكو: انتشارات دانش.
- يعقوبى، احمد بن ابى يعقوب واضح (١٣٧٩ق-١٩٦٠م)، التاريخ، بيروت: دار صادر.

- الیوزبکی، توفیق سلطان (۱۳۷۰ق-۱۹۷۰م)، الوزارة نشأتها و تطورها فی الدولة العباسیة، بغداد: مطبعة الارشاد.

منابع انگلیسی

- Goitein.S.D(1968), *STUDIES IN ISLAMIC HISTORY AND INSTITUIONS*, Leiden: E. J BRILL.
- Watt, W. Montgomery(1968), *ISLAMIC POLITICAL THOUGHT*, Edinburg.





پروفیسر شہناز گل خان
پرنسپل جامعہ اسلامیہ اسلامیہ
پرنسپل جامعہ اسلامیہ اسلامیہ